

# مفهوم‌پردازی و تبیین مؤلفه‌های استانداردسازی از منظر اسلام (در جهت تحقق خط‌مشی‌های اقتصاد مقاومتی)

وحید خاشعی\*  
مصطفی تمناجی\*\*

## چکیده:

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۳۰  
تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۲۷

استاندارد یکی از ارکان مهم در توسعه‌ی تجارت، ارتباطات و تعاملات بین افراد، گروه‌ها، بنگاه‌ها و جوامع و بسترسازی رشد اقتصادی است. بدون وجود این بستر امکان توسعه‌ی بازار، ایجاد هم‌افزایی، استفاده از فناوری‌های نوین و شاید به یک معنی زندگی در دنیای جدید فراهم نخواهد شد. از همین‌رو یکی از بندهای ۲۴ گانه‌ی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به این موضوع اختصاص یافته است. تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از جمله استانداردسازی نیازمند هدف‌گذاری است. هدف‌گذاری از روش‌های مختلف صورت می‌گیرد. یکی از این روش‌ها استفاده از الگوها و نمونه‌های عینی است که از هرگونه خطا و اشتباهی معصوم هستند و سیره‌ی آن‌ها می‌تواند در دنیای امروز به‌عنوان استاندارد سبک زندگی مطرح و هدف‌گذاری شود. از این‌رو در این تحقیق تلاش شده است تا مفهوم‌پردازی استاندارد در سیره‌ی معصومین (ع) مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله با تفکیک نگرش علمی و مکتبی به مقوله‌ی استانداردسازی، به تحلیلی استنباطی از کار و فعالیت استاندارد در سیره‌ی معصومین (ع) پرداخته شده است و بر استاندارد به‌عنوان امری ارزش‌مدار و با جهت‌گیری ارزشی تأکید شده و تأثیر ایمان و نیت خالص را در کار استاندارد مورد تدقیق قرار داده است. از این منظر، استاندارد شامل دو بعد حُسن فاعلی اعم از انگیزه، ایمان و نیت خالص (بستر هدف صحیح) به همراه حُسن فعلی اعم از عمل صالح (کار صحیح به روش صحیح) است که به حیات طیبه منجر خواهد شد. سپس الگویی نظری برای استانداردسازی از منظر اسلام ارائه شده است. مبنای این الگو تقسیم استاندارد به صورت توحیدی و الحادی است. از این منظر کار صحیح و روش صحیح، همان عمل صالحی است که مبتنی بر نیت صحیح به‌عنوان تضایف‌دهنده‌ی ایمان صالح به حیات طیبه منجر خواهد شد.

## واژگان کلیدی:

استانداردسازی، سیره‌ی معصومین، کارایی، اثربخشی، حیات طیبه

## ۱ مقدمه و طرح مسئله

در این تحقیق، مبانی استانداردسازی، ضرورت آن و همچنین نقش انکارناپذیر آن در توسعه‌ی کشور دانسته و بدیهی فرض شده و به‌طور مفصل به آن پرداخته نشده است. استانداردسازی، سبب توسعه‌ی تجارت سالم می‌شود و دستیابی به بازارهای جهانی را میسر می‌سازد و در نهایت به بهبود کیفیت زندگی کمک شایان می‌کند.

استانداردها شامل راهنماها و الزاماتی برای انجام کارهای درست (اثربخشی) و درست کار کردن (کارایی) و در نهایت دستیابی به بهره‌وری مطلوب و ایده‌آل می‌باشند. تعاریف متعددی از استاندارد وجود دارد که

\* استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی

\*\* دانشجوی دکتری مدیریت فناوری اطلاعات دانشگاه علامه طباطبایی

زیست را ایجاد نموده و همچنین زمینه رشد اقتصادی را فراهم می‌کنند.

\* برای کشورها: استانداردهای بین‌المللی که مظهر توافقات جهانی است به‌عنوان منابع مهم فنی شناخته شده‌اند. با تعریف مشخصه‌هایی که از محصولات و خدمات در بازارهای صادراتی انتظار می‌رود، استانداردهای بین‌المللی پایه‌ای برای تصمیمات درست در هنگام توسعه منابع و جلوگیری از اسراف آنها در کشورها محسوب می‌گردد.

\* برای تسهیل تجارت: استانداردها زمینه‌ای برای تمام رقبا در بازارها ایجاد می‌کنند. همچنین وجود استانداردهای ملی یا بین‌المللی مختلف می‌تواند موانع فنی برای تجارت را بخصوص زمانی که هدف محدود کردن کالاهای وارداتی باشد، ایجاد کند.

\* برای تولیدکنندگان: با استفاده از استانداردها، تولیدکنندگان می‌توانند محصولات و خدمات خود را در حد قابل قبول تولید و ارائه نمایند. از طرفی می‌توانند در زمینه‌های بسیاری در بازارهای جهانی رقابت و محصولات خود را عرضه کنند.

\* برای مشتریان: رقابت‌های فنی وسیع ایجادشده برپایه استانداردها دامنه انتخاب مشتریان را گسترش می‌دهد و آنان از اثرات رقابت ایجاد شده بین تولیدکنندگان سود می‌برند.

\* برای آحاد جامعه: انطباق محصولات و خدمات با استانداردها تضمینی برای کیفیت، ایمنی و قابلیت اعتماد آنها است و در نتیجه استانداردها می‌توانند کیفیت زندگی را تضمین کنند.

\* برای حفظ محیط زیست: استانداردها در کیفیت هوا، آب و خاک و در انتشار گازها و تشعشعات برای حفظ محیط زیست تأثیر دارد. (همان، ص ۵)

بر اساس این تعریف می‌توان استانداردها را به دو دسته کلی تقسیم نمود؛

دسته اول، استانداردهای مبتنی بر علوم و فنون و نظم طبیعی حیات هستی که معمولاً بنا بر روش‌شناسی علوم تجربی نتایج قطعی علمی هستند. مثلاً استانداردهای مربوط به جنس و ویژگی‌های مواد، استانداردهای مربوط به ابعاد مشخصات فیزیکی یا

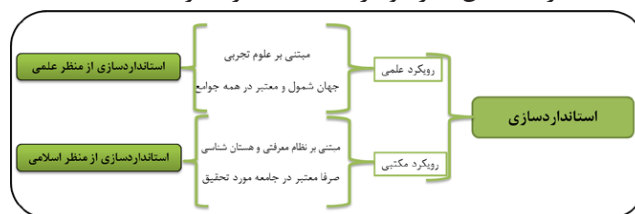
قراردادهای مربوط به فرکانس‌های مخابراتی، ارتباطات رادیویی و سایر تعاملات اطلاعاتی، صنعتی و نظایر آنها. دسته دوم، استانداردهای اعتباری در حوزه‌ی پدیده‌ها، معرفت‌ها، دانش‌ها و نظام‌های انسانی و اجتماعی است، مثل استانداردهای روش‌های مدیریت، استانداردهای آموزشی (البته نه استانداردهای مربوط به فضا و اجزای فیزیکی سیستم آموزشی) استانداردهای مربوط به امور اقتصادی و تجاری، استانداردهای مربوط به اشتغال و گروه‌های کاری، استانداردهای مربوط به مدیریت دانش، حقوق معنوی و نظایر این‌ها.

در دسته‌ی اول که مبتنی بر علوم فنی و تجربه آزمایشگاهی است معمولاً می‌توان انتظار داشت که نتایج حاصل از این استانداردها برای همه جوامع معتبر و قابل استناد باشد. اما در دسته دوم حتماً گزاره‌های پیشینی نظیر شرایط، اعتقادات، نظام فکری معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی و رویکردهای بینشی، ارزشی و رفتاری جامعه و حکومت در استانداردها مؤثر است. در مورد کشور ایران به طور خاص می‌توان اظهار داشت با توجه به منابع منیع وحیانی و سنت ناب پیشوایان دینی و جایگاه بنیادین و حجیت کلیدی عقل و عقلانیت‌گرایی در نظام فکری منسجم و مدلل معرفتی، ارزشی و رفتاری و جایگاه و تعریف خاص هستی و انسان، پدیده‌های انسانی تعریف، الزامات و نتایج خاص و متناسب خود را می‌یابند. به دیگر سخن چون در نظام اندیشه‌ی اسلامی معرفت، انسان و جهان و تناسبات آن تعاریف خاص خود را می‌یابند منطقی‌اً ارزش‌ها و هنجارهای ناشی از این نوع نگاه نیز متناسب با همان نگاه تعبیر و ارائه می‌شود.

از همین رو مفاهیمی بینشی- ارزشی و کلیدی نظیر مطلوبیت، پیشرفت، توسعه، تعالی، رشد، سعادت و در نهایت "زندگی استاندارد" مفهوم و معیارهای بینشی و ارزشی خاص و متناسب خود را در جغرافیای معارف وحیانی و عقلانی اسلام ناب می‌یابند. به عبارتی می‌توان گفت استفاده از استانداردهای جهانی، به‌مرور سبک زندگی ایرانی را به سبک زندگی جهانی شدن با قرائت غربی تغییر خواهد داد. به‌نظر می‌رسد با

توجه به دسترسی ما به تعالیم هدایت‌گر دینی و ذخیره‌ی دانش گرانسنگ‌مان در زمینه علوم انسانی در این حوزه حضور فعال و ارائه استانداردهای متناسب راه مناسب‌تری است ضمن این‌که این‌کار علاوه‌بر توسعه استانداردها کمک بزرگی در حوزه فرهنگی کشور خواهد بود. بدین معنا که استانداردسازی در این حوزه مفاهیم و معیارهای فرهنگی را به‌شدت تحت تاثیر قرار خواهد داد و در صورت اعمال استاندارد در حوزه برنامه‌ریزی و فرآیند و عملکرد فرهنگی به نوعی از بسیاری از خروجی‌های فرهنگی نامتناسب با اهداف انتظاری دور خواهیم شد و رویه‌ی هم‌جهتی در عرصه‌ی فرهنگ برای تعالی و رشد جامعه قابل انتظار خواهد بود.

با این مفاهیم و این طرز نگرش به استاندارد، تمرکز این تحقیق بر توسعه و بکارگیری استانداردهایی است که ریشه در نگرش‌ها، اعتقادات، فرهنگ، رسوم و آداب جامعه و یا به‌عبارتی مبتنی بر نظام فکری معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی جامعه است. مهم‌ترین وجه تمایز این استانداردها عدم امکان تعمیم‌پذیری آنها و جهان‌شمول نبودن آنهاست. به عبارتی دیگر نمی‌توان این استانداردها را از جوامع دیگر اقتباس کرد و در جامعه اجرا کرد.



شکل ۱: استانداردسازی از منظر علمی و اسلامی

با توجه به مقدمه فوق می‌توان سئوالات اصلی این مقاله را چنین برشمرد:

۱. جایگاه و مفهوم استاندارد در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) چیست؟
۲. الگوی استاندارد در سیره معصومین (ع) چگونه است؟
۳. آموزه‌های کلیدی در طراحی نظام استاندارد مطابق سیره معصومین (ع) چیست؟
۴. نگاه اسلامی به استاندارد چگونه سبب تقویت بنیه‌های اقتصادی کشور می‌شود؟

## ۲ ادبیات تحقیق

### ۲-۱ ضرورت، اهمیت و کارکردهای اسوه‌شناسی (سیره‌شناسی)

همواره هدف‌گذاری جزء ماهیت تمامی سیستم‌های انسانی و اجتماعی است و یکی از راه‌های هدف‌گذاری، ارائه‌ی نمونه و اسوه مطلوبی است که عینیت‌یافته باشد. نیاز به هدف‌گذاری از طریق نمونه‌طلبی و نمونه‌پذیری نیز جزء بدیهیات فطری و غیرقابل انکار بشری است. بنابراین گرایش به سیره امری فطری می‌باشد. یکی از راه‌های تبیین ضرورت‌های یک مقوله، بیان کارکردهای آن است. در بیان ضرورت‌های سیره‌شناسی نیز می‌توان کارکردهای آن را توضیح داد. با توجه به آیات و روایات می‌توان چهار کارکرد اصلی اسوه‌شناسی (سیره‌شناسی) را به‌شرح زیر بیان کرد:

۱. نداشتن اسوه سبب حیرانی و سرگشتگی است. از امام سجاد(ع) منقول است که «هَلْكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشَدُهُ» (آن‌کسی که حکیم راهنما و رشد‌دهنده‌ی ندارد هلاک می‌شود). (مجلسی، ج ۷۸، ص ۱۵۹)

۲. کمال‌طلبی متوقف بر اسوه‌یابی است. بی‌شک راه کمال را بدون تبعیت از اسوه‌ی کامل نمی‌توان طی کرد. فقدان نمونه مناسب در طریق کمال‌بدان معناست که انسان و هر سیستم اجتماعی اسیر شیطان شود و خلاً اسوه‌ی حسنه را با اسوه‌های سیئه پر سازد. خداوند در آیه ۲۱ سوره احزاب پیامبر اکرم(ص) را یک اسوه حسنه تام و تمام معرفی می‌کند. «لَقَدْ كَانَ حَكْمَ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةً حَسَنَةً لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا».

۳. اتخاذ موضع عملی صحیح و مشخص از لوازم ایمان و اعتقاد و التزام عملی به دین است. موضع عملی مشخص در گروه داشتن اسوه‌ی است که بتواند چنین کارکردی را داشته باشد. پیامبر اکرم(ص) درباره پیوند ایمان و عمل می‌فرماید: «الإيمان والعمل أخوان شريكان في قرن، لا يقبل الله أحدهما إله بصاحبه» (ایمان و عمل دو برادر همراه در یک رشته و همدوشند و خداوند هیچ‌یک از آن‌دو را جز با همدوش خود نمی‌پذیرد). (الهندي، ج ۱، ص ۴۷۹) و همچنین از رسول خدا(ص) منقول است که: «الإيمان معرفة بالقلب



و اقراراً باللسان و عمل بالأركان» (ایمان شناخت با قلب، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح است) (الصدوق، ج ۱، ص ۱۷۸) بنابراین آنچه مقبول و مطلوب نظام دین است عمل ایمانی است و عمل ایمانی نیازمند میزان‌ها و ملاک‌های عملی است. سیره ارائه‌ی این ملاک‌هاست و پیروی از آن عمل مبتنی بر میزان است. حضرت امیر(ع) می‌فرماید: «وَأَقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ، وَ السَّنَا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ» (به راه و رسم (سیره) پیامبرتان اقتدا کنید که بهترین راه و رسم‌هاست و رفتارتان را با روش پیامبر تطبیق دهید که هدایت‌کننده‌ترین روش‌هاست). (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۰)

۴. اسوه‌شناسی (سیره‌شناسی) معیار راه‌گشا در فضای شبهه است. در جایی که حق و باطل درهم آمیخته می‌شود، بصیرت و علم به مواضع حق در سیره تجلی دارد. از امیرالمؤمنین علی(ع) در موارد متعددی در نهج‌البلاغه منقول است که در چنین موضعی به سیره مراجعه کنید. ایشان خطاب به مالک اشتر چنین راهنمایی می‌فرمایند: «وَأَرَدُّ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ مَا يُضْلِعُكَ مِنَ الْخَطُوبِ وَ يَشْبِهُ عَلَيْكَ مِنَ الْأُمُورِ؛ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِقَوْمٍ أَحَبَّ أَرْشَادَهُمْ؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ. فَالرُّدُّ إِلَى اللَّهِ: الْأَخْذُ بِمُحْكَمِ كِتَابِهِ، وَ الرَّدُّ إِلَى الرَّسُولِ: الْأَخْذُ بِسُنَّتِهِ الْجَامِعَةِ غَيْرِ الْمُفْرَقَةِ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

## ۲-۲ مفهوم‌پردازی سیره

واژه سیره اسم مصدر از سیر است. ریشه‌ای است که بر گذشتن و روان‌شدن و حرکت دلالت دارد. (ابن فارس، ج ۳، ص ۱۲۰) و نیز به معنای رفتن و سیر کردن در زمین است (ابن منظور، ج ۶، ص ۴۵۳). راغب اصفهانی می‌نویسد سیر یعنی حرکت در روی زمین، در زمین راه رفتن و گذشتن و عبور نمودن (الراغب الاصفهانی، ص ۲۴۷) سیر هم حرکت در روز و هم حرکت در شب را معنا می‌دهد درحالی‌که سری تنها حرکت در شب را می‌رساند (الفراهیدی، ج ۷، ص ۲۹۱) چنان که در آیه تحت سوره اسراء چنین آمده است.

سیره یعنی آن حالتی که انسان دارد، نوع خاص

حرکت انسان، نوع رفتار. سیره بر وزن فعله است که در این وزن واژه بر نوع عمل دلالت دارد با توجه به آن‌چه اهل لغت گفته‌اند سیره به معنای سنت، روش، مذهب، هیأت، حالت، طریقه و راه و رسم است لذا می‌توان سیره را نوع رفتار و سبک رفتار و طریقه زندگی معنا کرد (دلشاد تهرانی، ج ۱، ص ۴۷)

مؤلفه‌های اصلی سیره عبارتند از: نوع و گونه رفتاری (سبک رفتاری)، اصول محکم برهانی، ثبات (دوام و بقا) از ویژگی‌های برجسته دین اسلام، سیره‌ی عملی معصومین و امامان آن است که قدرت عینیت‌بخشیدن به این مجموعه هدایتی را فراهم ساخته است. بدین معنا که در اسلام اصولی محکم مانند اصول برهانی در وجوه مختلف رفتاری و سبک‌های رفتاری وجود دارد. همچنان که از واژه سبک مفهوم صلابت، محکمی و استواری، بقا و دوام برداشت می‌شود این سیره‌ها نیز اصولی پابرجا و با ثبات و مستحکم دارند. علت این ثبات و استحکام نیز از یک طرف به قوت درونی این اصول برمی‌گردد و از طرف دیگر به تطابق با فطرت آنهاست که راهی برای همه‌ی نسل‌ها در همه‌ی عصرها است. راهی قابل ارائه و سیر برای همه در همه جا و در کلیه ادوار (دلشاد تهرانی، ج ۱، ص ۵۵) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت همان‌طور که گرایش به سیره امری فطری است، اصول اساسی سیره پیامبر(ص) و معصومین(ع) مطابق فطرت و سرشت انسانی است.

## ۳ روش‌شناسی تحقیق

در این بخش به برخی از اصول کلی و قواعد عام در فهم مدلول دین خواهیم پرداخت. چهارعنصر مهم در معرفت دینی وجود دارد که از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. عناصر موثر در معرفت دینی عبارتند از:

- ۱- مبدا دین: منظور از مبدا در دین کسانی می‌باشند که دین از آن‌ها منشأ یافته است به عبارت دیگر شارع مقدس که اعم از خداوند و پیامبر او می‌باشد.
- ۲- منبع دین: منظور از منبع در دین (در این مقاله اسلام) نیز کتاب آسمانی و سنت معصومین و عقل می‌باشد.
- ۳- مدلول دین: منظور از مدلول دین نیز قواعد و ظواهری است که در فهم قرآن و حدیث مورد استفاده

قرار می‌گیرد

۴- مفسر دین: منظور از مفسر دین نیز در درجه اول معصومین و در درجه دوم دانشمندان دینی می‌باشند و آنچه باعث اختلاف برداشت‌ها در فهم مدلول دین می‌شود در درجه‌ی اول به غفلت از اصول و قواعد فهم (اصل کبری) و در درجه دوم به عدم به‌کارگرفتن صحیح از اصول و قواعد (انطباق کبری بر صغری) برمی‌گردد.

از اصول و قواعدی که در فهم قرآن و سنت مورد استفاده قرار می‌گیرد به اصول استنباط و یا منطق فهم دین اطلاق می‌شود. در این مقاله این اصول و قواعد به‌کارگرفته شده به‌عنوان روش‌شناسی تحقیق تعبیر شده است که به‌صورت اجمال به آن‌ها خواهیم پرداخت.<sup>۱</sup>

می‌توان از هشت قاعده‌ی کلی را در استنباط قرآنی و هشت قاعده‌ی عام را در فهم حدیث استفاده کرد.

### ۳-۱ قواعد عام در فهم و تدبر در قرآن

قواعدی در استنباط از قرآن وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- آگاهی از زبان قرآن: منظور از زبان قرآن لفظ به‌علاوه معنای آن می‌باشد که به‌وسیله آن متکلم مقاصد خود را به مخاطب منتقل می‌کند و یک حقیقت جامعه‌شناختی دارد. زبان قرآن مرکب از الفظی که به‌صورت عربی فصیح و معنایی که دربرگیرنده مفاهیمی عرفی، فلسفی، عرفانی و غیره است که با الفاظ گره خورده است.<sup>۲</sup>

۲- توجه به مفاهیم مفردات قرآن در عصر نزول: این قاعده متضمن این است که معانی را باید از عصر نزول بگیریم. الفاظ با معنای یک رابطه قراردادی دارند که یکی دال و دیگری مدلول می‌شود. (از این رابطه تعبیر به وضع می‌شود). بین لفظ و معنی آن اقتران آکید است و این امر حقیقت وضع را شکل می‌دهد.<sup>۳</sup> (سیوطی، ج ۱ ص ۳۵۵، و زرکشی، ج ۱ ص ۳۶۹).

۳- قاعده محکم و متشابه<sup>۴</sup>: محکم آیاتی هستند که خلل‌ناپذیرند و متشابه بالعکس آن می‌باشند. به‌طور کلی مدلول آیات قرآن به لحاظ وضوح و غموض به چهار دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

الف - نص: منطوق واضح و قطعی دارند همانند سوره

بقره آیه ۱۹۶

ب- ظاهر: منطوق لفظی است که بر معنای راجحی دلالت دارد البته دارای معنای مرجوحی نیز می‌باشد همانند آیات سوره بقره آیه ۱۷۳، انعام آیه ۱۴۵ و نحل آیه ۱۱۵

پ- تاویل: منطوق در این دسته دو معنا دارد (معنا راجح و مرجوح) ولی مراد متکلم معنای دوم است که به آن مدلول موؤل گفته می‌شود. همانند سوره اسراء آیه ۲۴ و سوره حدید آیه ۴

ت- مجمل: مدلول لفظی است که دو یا سه معنا دارد ولی نمی‌توان درست را تشخیص داد. به دو دسته اول محکمت و به دو دسته دوم متشابهات گفته می‌شود.

۴- قاعده ناسخ و منسوخ: نسخ در واقع جایگزینی حکمی به‌جای حکم دیگر است و نسخ نشان‌دهنده موقتی و دائم بودن احکام است. نسخ غیر از تخصیص عام و غیر از تقیید عام است و جایی است که موضوع ثابت است ولی کل حکم عوض می‌شود. در منابع دینی هیچگاه نسخ الفاظ و نسخ تلاوت نداریم بلکه نسخ حکم وجود دارد و این نشانگر پویایی و تحول در دین است. در تعداد آیات منسوخ اختلاف وجود دارد، اما مرحوم آیت الله خویی (ره) در کتاب البیان تنها آیه نجوی (سوره مجادله آیه ۱۲ و ۱۳) را آیه ناسخ و منسوخ می‌شمارند.

۵- قاعده مطلق و مقید و عام و خاص: مقید حکم مطلق را تضییق و خاص نیز عام را از شمولیت می‌اندازد. در خاص از الفظی همچون کل، موصولات خاص، نکره در سیاق نفی و غیره استفاده شده و در عام از الفظی که موید عمومیت است استفاده می‌شود. در مطلق از ادوات استفاده نمی‌شود بلکه از بی قیدی، شمولیت فهمیده می‌شود. (مظفر ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۴۵)

۶- توجه به قواعد ادبیات عرب: علوم بلاغی، معانی و بیان، علم اشتقاق (صرف)، فروق اللغه در استنباط از متن قرآن و برداشت معنای اصلی مدنظر بسیار مهم می‌باشند.

۷- در نظر گرفتن قرائن: در نظر گرفتن قرائن در دریافت

۱. برای مطالعه بیشتر در حوزه روش‌شناسی مطالعات اسلامی می‌توانید به کتاب‌های اصول استنباط، اصول فقه، روش‌شناسی تفسیر قرآن، روش‌های تدبر و تفسیر قرآن، فقه الحدیث و درایه الحدیث مراجعه فرمایید.

۲. آیات سوره های یوسف آیه ۲، فصلت آیه ۳، شوری آیه ۷، زخرف آیه ۳، احقاف آیه ۱۲، نحل آیه ۱۰۳، شعراء آیه ۱۹۳ و زمر آیه ۲۸، موید این معنا هستند.

۳. برای مطالعه بیشتر به مجله رواق اندیشه مقاله جستاری در معنایی مفردات و گزاره های دینی به تالیف عبدالحسین خسروپناه مراجعه فرمایید.

۴. استشهاد به سوره آل عمران آیه ۷ می‌شود.

پیام هر گوینده‌ای، قاعده‌ای عقلایی می‌باشد. انواعی از قرائن در کلام وجود دارد. قرائن لفظی و غیرلفظی، قرائن پیوسته و گسسته، قرائن معینه و صارفه باید مورد توجه قرار گیرند.

۸- قاعده وجوه و نظایر: وجوه، احتمالات معنایی است که الفاظی را که دارای معانی متعدد هستند مشخص می‌کنند و نظایر الفاظ و تعبیر متعددی هستند که معنای یکسان و واحدی دارند. به‌عنوان نمونه لفظ ملت (سوره بقره آیه ۱۴۳)، طریقت (سوره زخرف آیه ۲۳)، مدت (سوره یوسف آیه ۴۵) را می‌توان برشمرد.

### ۳-۲ قواعد عام در فهم و تدبر در احادیث

مهم‌ترین قواعد عمومی در فهم حدیث عبارتند از:

۱- اطمینان از انتساب: پیش‌نیاز حرکت به‌سوی فهم حدیث، آگاهی از صحت انتساب حدیث و درستی متن آن است. می‌توان این‌طور بیان کرد که علم حدیث و علم رجال، به‌دنبال شناخت و جداسازی احادیث معتبر و بی‌اعتبار از یکدیگرند.

۲- به‌دست آوردن متن اصلی: فقه الحدیث به‌معنای فهم عمیق گفتار و رفتار معصوم (ع) می‌باشد. در این علم به بررسی متن روایت پرداخته شده و با بهره‌گیری از شیوه‌های منطقی فهم و نقد حدیث و نیز قواعد گوناگون، در پی درک مقصود اصلی صاحب سخن است.

۳- فهم مفردات: پس از اطمینان یافتن از متن حدیث فهم یک یک واژه‌های آن نخستین گام حرکت به سوی فهم حدیث است در این میان فن صرف به‌کار می‌آید، زیرا ساختار زبان عربی ساختاری صرفی است و نه ترکیبی. بیشتر کتب لغت نیز بر اساس ماده کلمات تنظیم گشته است و مراجعه به آن‌ها متوقف بر شناخت حروف اصلی هر واژه است. همچنین شناخت زیبایی‌های ادبی برخی احادیث در گروه آگاهی از چگونگی اشتقاق و ساخت هیات‌های گوناگون کلمات است. در کتاب میزان الحکمه و موسوعه نفره‌النعیم در برخی عنوان‌ها، تفسیر برخی واژه‌ها از زبان حدیث بیان شده است.

۴- فهم ترکیبات: پس از فهم واژه‌ها، فهم ترکیب آن‌ها مطرح می‌شود. ترکیب‌های گوناگون کلمات و نقش

اساسی اعراب در ساختار زبان عربی ضرورت توجه به دانش نحو و ترکیب حدیث را بر می‌نماید. معنای این ترکیب‌های کوچک و بزرگ حاصل مجموع مفردات آن‌ها نیست و در بسیاری موارد فهم آن‌ها متوقف بر شنیدن از زبان دانان عرب است. اصطلاحات به دو گونه کلی عمومی و تخصصی تقسیم می‌شوند و برای فهم بسیاری از اصطلاحات عرفی و عمومی می‌توان از کتب لغت سود جست. اما اصطلاحات تخصصی تنها از راه کاوش‌های ژرف و آشنایی با زبان علمی و تخصصی حاصل می‌آید.

۵- گردآوری قرینه‌ها: گوینده سخن می‌تواند با افزودن قرینه‌های متصل و یا منفصل معنای ابتدایی سخن خود را دگرگون و یا گستره آن را محدود کند. متکلم حتی این حق را دارد که گاه به سبب پیشامد و خطری با ابهام سخن بگوید و سپس با سخن دیگری آن را روشن و گاه بی‌اعتبار سازد. این پدیده جهت زیستن امامان معصوم (ع) در وضعیت‌ها و زمانه‌های گوناگون از یک‌سو و سطح فکری و مذهب مختلف مخاطبان از سوی دیگر شایع است. در علم اصول فقه بحث تقیه و «تاخیر البیان عن وقت الحاجه» ناظر به همین مسئله است. احتمال وجود قرینه‌های بعدی موجب می‌شود که به فهم اولیه خود از حدیث اعتماد نکنیم و تنها پس از کاوش و فحص از قرینه‌هایی مانند مخصص‌ها مقیده‌ها و ناسخ‌ها به فهم اولیه خود از حدیث اعتبار بخشیم.

۶- تشکیل خانواده حدیث: قرینه‌های منفصل کلامی که بیشتر احادیث و نقل‌های مرتبط هستند در کنار حدیث مورد بررسی یک خانواده حدیث را تشکیل می‌دهند. میان این احادیث هم‌خانواده رابطه‌های متعددی مانند تخصیص، تقیید، نسخ و تقابل برقرار است. گاه نیز کاملاً هم‌مضمون و مشابه و به یک موضوع ناظرند. یافتن این احادیث و فهم نسبت‌های آن‌ها با همدیگر به فهم مقصود اصلی حدیث کمک می‌کند.

۷- بهره‌گیری از دستاوردهای بشری: دانشمندان بسیاری از احادیث سود جسته و به فهم ژرفای برخی از آن‌ها نایل آمده‌اند. آنان در پی حل مشکل‌ها و پرسش‌های

خود با حدیث گفتگو کرده و پاسخ‌هایی نغز از آنها برگرفته‌اند. از این‌رو مطالعه تحقیقات پیرامون حدیث ما را با معانی نهفته آن آشنا می‌کند. پرسش‌های بشر از حدیث ما را در پی جویی مقصود اصلی گوینده یاری می‌دهد و همراهی و تایید حدیث را نسبت به دستاوردهای علمی و قطعی بشر به ارمغان می‌آورد.

۸- زدودن موانع فهم: ذهن بشر همچنان که می‌تواند عمیق‌ترین موضوعات را درک کند، می‌تواند خود حجابی برای فهم بشر باشد. تهذیب و تزکیه نفس راهی برای رفع این حجاب معنوی است.

جدول ۱. قواعد کلی در استنباط از قرآن و حدیث

ردیف	قواعد کلی در استنباط قرآنی	قواعد کلی در استنباط حدیثی
۱	آگاهی از زبان قرآن	اطمینان از انتساب
۲	توجه به مفاهیم مفردات قرآن در عصر نزول	به دست آوردن متن اصلی
۳	قاعده محکم و متشابه	فهم مفردات
۴	قاعده ناسخ و منسوخ	فهم ترکیبات
۵	قاعده مطلق و مقید عام و خاص	گردآوری قرینه‌ها
۶	توجه به قواعد ادبیات عرب	تشکیل خانواده حدیث
۷	در نظر گرفتن قرائن	بهره‌گیری از دستاوردهای بشری
۸	قاعده وجوه و نظایر	زدودن موانع فهم

#### ۴ ریشه‌های اسلامی استاندارد

آفریننده جهان برای برقراری نظام خلقت در این عالم هستی برای هر چیزی حدی، مقداری و معیار و اندازه‌ای مقرر کرده است و برای برقراری روابط و مشی انسان‌ها با هم و حتی رابطه انسان‌ها با خالق خویش و تأمین سلامتی و نیکبختی آن‌ها، تبعیت و اطاعت از حدود و نظامات الهی، کتاب آسمانی (قرآن) و راهنمایان و پیامبرانی معصوم را که سیره آنان مشحون از قواعد و قوانین زندگی است، فرستاده که در آن اشارات زیادی به قدر، اندازه، حدود نظم و قواعد زندگی خوب شده است. استاندارد پدیده‌ای تازه و امری بدیع و نوظهور و ساخته ذهن بشری نیست، بلکه مفهوم وسیع آن در تمام عالم هستی وجود داشته و دارد و انسان تنها با درک و اقتباس از عالم طبیعت و پیروی از خالق خود درصدد پیاده کردن و استقرار آن در سایر وجود و شؤون زندگی خود از جمله در زمینه تولیدات، مصنوعات و خدمات برآمده و فصل نوینی را در عالم صنعت، تولید و تجارت گشوده که آن را استاندارد نام نهاده است. در فرهنگ دینی جامعه و در قانون اساسی چندین مورد به امور حاکمیتی و وظایف حکومتی از لحاظ تأمین ایمنی و سلامت مردم تأکید شده است.

از جمله این موارد عبارتند از:

الف) در صدر اسلام در حکومت اسلامی تشکیلاتی بنام امور حسبه در رابطه با کنترل کیفیت مایحتاج و ارزاق مردم تعبیه شده بود که فردی بنام محتسب کل با چند نفر در آن جا فعالیت می‌کردند.  
ب) حضرت علی (ع) در زمان خود جهت نظارت بر امور حسبه به بازار کوفه مراجعه می‌کردند و از نزدیک کیفیت گندم، روغن و سایر موارد از جمله وضعیت ترازوها و پیمانها (مکیال) را نظارت می‌فرمودند.  
پ) در قرآن کریم در آیات متعدد به قدر، اندازه، میزان، مکیال، قسط و احسن عمل اشاره شده است.  
ت) درباره کم‌فروشی و کالای بی‌کیفیت در آیه ۸۵ سوره هود آمده است: "و یا قوم اوفوا المکیال و المیزان بالقسط و لاتبخسوا الناس اشیاءهم و لاتعثوا فی الارض مفسدین" (ای قوم من پیمانها و ترازو را به انصاف و عدالت تمام و کمال انجام دهید و به مردم کم‌فروشی نکنید و در زمین فتنه و فساد نکنید).  
ث) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که رفتار و گفتارش برای جهانیان الگو به شمار می‌رود در اهمیت کار درست و استاندارد می‌فرماید: "إن الله تعالی یحب اذا عمل احدکم عملاً أن یتقنه" (همانا خدای تعالی



دوست می‌دارد هرگاه یکی از شما عملی را انجام می‌دهد آن عمل را منظم و درست انجام دهد).

ج) حضرت امام صادق (ع) فرموده‌اند: (ما من شی الا و له حد) چیزی در جهان نیست جز آن که حد و اندازه ای بر آن مقرر است.

از آموزه‌های دینی می‌توان گزاره‌های زیر را استنباط کرد:

در جامعه‌ی اسلامی شایسته نیست کم‌فروشی و تولید کالای غیراستاندارد وجود داشته باشد.

در جامعه موحد هرکاری باید در عالی‌ترین سطح انجام شود.

در جامعه اسلامی باید حقوق مردم و مصرف‌کنندگان رعایت شود.

در جامعه اسلامی رضایت مشتریان و در رأس آن رضایت خداوند متعال باید در نظر گرفته شود.

## ۵ جایگاه استاندارد در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ رهبر فرزانه جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ کردند. در متن ابلاغیه مذکور آمده است:

«ایران اسلامی اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف آرایی کرده، به شکست و عقب نشینی و می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار ما مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن روبه افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، اقتصاد متکی بر دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌گرا، برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام عینیت بخشید». این سیاست‌ها در ۲۴ محور کلی و باهدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی

به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا تدوین شده‌اند.

بند ۲۴ این سند ارزشمند و راه‌گشا عبارت است از: افزایش پوشش استاندارد برای کلیه‌ی محصولات داخلی و ترویج آن.

اختصاص یک بند از ۲۴ بند راهبردی توسعه اقتصادی کشور به مقوله استاندارد، نشان از اثرگذار بودن آن دارد. درج این راهبرد در سند اساسی کشور، مسئولیت متولیان حوزه استاندارد را مضاعف کرده است. در سال ۹۵، انتخاب هوشمندانه شعار سال تحت عنوان اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل ضمن هشدار به متولیان از کم‌کاری در اجرای سند ابلاغ‌شده در تاریخ ۹۲/۱۱/۲۹ نشان‌دهنده لزوم توجه به این اصول و تأکید بر راه‌گشا بودن آن‌ها در عرصه‌ی پیچیده فضاها‌ی حاکم بر جامعه در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... است.

از این‌رو در این تحقیق با تمرکز بر موضوع استانداردسازی، این حوزه از منظر اسلامی مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است تا الگویی برای استانداردسازی از منظر اسلام ارائه گردد. باید توجه کرد که در ابلاغیه سند مذکور اصطلاحات الگوی اقتصادی بومی و علمی و برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی نشان می‌دهد که هر راهبرد ذکر شده در این سند را نمی‌توان از کشورهای دیگر کپی‌سازی و اجرا کرد. لذا در این تحقیق بر منظری از استانداردسازی تأکید شده که باید ابعاد فرهنگی، اقتصادی و دینی جامعه در آن لحاظ گردد.

## ۶ مفهوم‌پردازی و تبیین استانداردسازی از منظر اسلام در سیره معصومین (ع)

### ۶-۱ استاندارد به مثابه اتخاذ وسیله درست در راه رسیدن به هدف

میان هدف و وسیله سنجیتی تمام وجود دارد و نمی‌توان به مقاصد الهی با ابزاری غیرالهی دست یافت، نمی‌توان با کاشتن بذر باطل، حق درو کرد؛ و ممکن نیست به وسیله‌ی ستم، عدالت برپا شود. نقل شده است که چهل سال پیش از بعثت رسول



خدا(ص) در خانه کعبه سنگی یافتند که در آن نوشته شده بود:

«من یزرع خیرا یحصد غبطه، و من یزرع شرأ یحصد ندامه، تعلمون السیئات و تجزون الحسنات؟ أجل، کما لا یجتنی من الشوک العنب» (ابن هشام، ج ۱، ص ۲۱۳) هر که نیکی بکارد هر آینه خرمی بدرد، و هر که بدی کارد هر آینه ندامت بدرد، اعمال زشت انجام می‌دهید و پاداش نیک می‌خواهید؟ آری، هرگز از درخت خار، انگور نچینند.

خداوند در این راستا می‌فرماید: «و ما کنت متخذ المضلین عضداً» (سوره کهف، آیه ۵۱) و من هرگز گمراه‌کنندگان را یار و مدد کار نگرفتم.

گرچه در آیه‌ی فوق سخن از خداوند است و نفی یاری گرفتن از گمراهان و می‌دانیم اصولاً خداوند نیاز به معین و یاور و کمک کار ندارد تا چه رسد به این که از گمراهان باشد یا نباشد؛ اما این درسی است برای همه‌ی طالبان حق و حقیقت که در رسیدن به اهداف متعالی، ابزار نادرست و افراد مصل را دستیار و یاور خود قرار ندهند. (مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۴۶۷) در ذیل این آیه روایاتی در کیفیت استخدام وسیله و استشهاد و استدلال پیشوایان حق و عدل، به‌همین آیه در عدم به‌کارگرفتن وسایل و ابزار و نیروهای نادرست برای اهداف درست وارد شده که بدان اشاره خواهد شد. خداوند در قرآن کریم توصیه کرده است که برای رسیدن به مقصد از روش مناسب و درست بهره‌گیری و در هر کار از راهش وارد شوید.

«و لیس البرّ بأن تأتوا البیوت من ظهورها ولکن البرّ من اتقی و أتوا البیوت من أبوابها و اتقوا الله لعلکم تفلحون» (سوره بقره، آیه ۱۸۹) نیکوکاری آن نیست که از پشت خانه‌ها درآیید، بلکه نیکویی آن است که متقی باشید و به هر کار از راه آن وارد شوید و تقوا پیشه سازید که رستگار شوید. درباره‌ی معنای این آیه از «جابر» از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:

«یعنی آن یاتی الأمور من وجهها، أتّی الأمور کان» (طبرسی، ج ۱، ص ۲۸۴) مراد آن است که در کارها، هر چه باشد، از راه آن وارد شوید. آن که به کیفیت استخدام وسیله معتقد است، در هر کار راه حق و

درست را می‌جوید و هرگز برای رسیدن به مقصد حق به باطل و وسیله نادرست چنگ نمی‌زنند و تکیه نمی‌کنند<sup>۵</sup> و نیز روایت کرده‌اند که فرمود: «إنا لانستعین بالمشرکین علی المشرکین». (النجاری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۰۹) ما برای مقابله با مشرکان از مشرکان یاری نمی‌گیریم. این درسی است اساسی برای همه تا برای دستیابی به‌اهداف و پیشبرد مقاصد خویش هر وسیله و ابزاری را به‌یاری نگیرند. رسول خدا(ص) هرگز در برابر مشرکان از حق و حقیقت عدول شد که با بانگ و فریاد پیش می‌آمدند. فرمود: این‌ها کی‌اند؟ گفتند: هم‌پیمانان یهودی «ابن اَبی». پس رسول خدا (ص) فرمود: «لا یستنصر بأهل الشّرك علی أهل الشّرك» (الواقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۱۵) از مشرکان برای مقابله با مشرکان یاری خواسته نمی‌شود. به روایت «ابن سعد» فرمود: «لا تستنصروا بأهل الشّرك علی أهل الشّرك» (ابن سعد، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۹) در جنگ با مشرکان از مشرکان یاری نخواهید.

برترین نمونه‌ی تربیت یافته مدرسه‌ی پیامبر(ص) یعنی علی(ع) درست به‌همان راهی رفت که رسول خدا(ص) رفته بود. شیخ طوسی به‌اسناد خود از «جبله بن سحیم» از پدرش نقل کرده است که پس از بیعت مردم با امیرمؤمنان علی ابن ابی طالب(ع) به حضرت خبر دادند که معاویه از بیعت خودداری کرده و گفته است اگر علی حکومت مرا در شام با آن چه عثمان مرا بر آن حاکم کرده بود بپذیرد و تأیید کند، با او بیعت خواهم کرد. پس «مغیره بن شعبه» نزد امام آمد و گفت معاویه کسی است که شما او را خوب می‌شناسید و عثمان پیش از شما او را حاکم شام و والی آن نواحی قرار داده بود، صلاح شما در این است که بگذارید معاویه والی بماند تا اوضاع استوار شود و حکومت شما پا بگیرد. وقتی اوضاع به‌راه شد او را عزل کنید. امام(ع) فرمود: آیا تو تضمین می‌کنی که من تا آن وقت زنده بمانم؟ تو ضمانت می‌کنی که در فاصله حاکم کردن او تا خلعتش زنده باشم، سپس بتوانم برکنارش کنم؟ گفت: خیر. حضرت فرمود: خدای بزرگ نمی‌خواهد و راضی نیست که او حتی یک شب ظلمانی بر دو مسلمان حاکم باشد؛ خداوند

۵. آیات متعددی دلالت بر انجام کارهای درست می‌کنند به عنوان نمونه سوره مائده آیه ۵۱، سوره نساء آیه ۱۳۹، ۱۴۴-۱۴۶ سوره آل عمران آیه ۹۲

به‌من اجازه نمی‌دهد که حتی یک شب او را والی مسلمانان گردانم. سپس این آیه را تلاوت کرد: «و ما كنت متخذ المضلین عضداً» (کهف، آیه ۵۶) و من هرگز گمراه‌کنندگان را یار و مددکار نگرفتم. (ابن سعد، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۳۱۵)

انتخاب راه‌کار و روش مناسب، خود راه‌گشای مشکلات و بهترین وسیله‌ی حفظ اقدامات و برنامه‌ها از لغزش است. چنان‌که در خبری از حضرت رضاع (ع) آمده است: «من طلب الامر من وجهه لم یزل، فإن زلّ لم تذله الحیله». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷۱، ص ۳۴) هر‌که از راه خود درصدد کاری برآید، لغزش نیابد؛ و چون بلغزد، در چاره کار نماند. اما آنان که در تصمیم‌گیری‌ها راه‌ها و روش‌های مناسب را نمی‌یابند، سرمایه‌های انسانی و اقتصادی را در پیچ و خم راه‌های ناشناخته به هدر می‌دهند و جز ندامت نصیبی نمی‌برند. از امام جواد(ع) وارد شده است که فرمود: «من لم یعرف الموارد أعبته المصادر» (همان) هر‌که راه‌های [مناسب] ورود را نشناسد، راه‌های خروج او را عاجز و ناتوان سازد.

## ۶-۲ استاندارد به مثابه کار درست و منضبط (کارآیی)

آن‌چه سیره‌نویسان در احوال پیامبر و برخوردهای آن حضرت نوشته‌اند حاکی از این است که آن فرستاده حق، در همه امور منضبط و جدی بود و مدیریتی مبتنی بر انضباط و جدیت داشت. ابوحامد غزالی درباره‌ی آن حضرت آورده است: «فان وعظ، وعظ بجد و ان غضب- و لیس یغضب الا لله- لم یقم لغضبه شیء و کذلک کان فی اموره کلها و کان اذا نزل به الامر فوّض الامر الی الله و تبرّأ من الحول و قوّه و استنزل الهدی». (غزالی، ج ۲، ص ۳۳۹) درموعظه و نصیحت جدی بود و هنگام خشم - که جز برای خدا خشم نمی‌گرفت - چیزی تاب مقاومت خشم آن حضرت را نداشت. خلاصه در تمام کارهایش جدی بود و چون به مصیبتی گرفتار می‌شد، امور خویش را به‌خدا واگذار می‌کرد و از حول و قدرت خویش براثت می‌جست و از خدا راه چاره طلب می‌کرد. رسول خدا(ص) چنان در همه‌ی امور جدی بود که به‌هیچ وجه اهل اتلاف

وقت و پرگویی نبود و هرکاری را که او را به مقصد نمی‌رساند ترک کرده بود. چنان‌که در روایت حسن و حسین(ع) از هند بن ابی هاله و علی(ع) درباره‌ی آن حضرت آمده است: «کان رسول الله(ص).... لا یتکلم فی غیر حاجه» (رسول خدا(ص) جز به‌هنگام نیاز سخن نمی‌گفت)، «یحزن لسانه الا فیما یعنیه» (زبان خود را از سخنان بی‌مورد باز می‌داشت، و تنها به‌جا سخن می‌گفت)، «قد ترک نفسه من الإکثار و ممّا لایعنیه» (خود را از پر حرفی و گفتن مطالب بی‌فایده دور می‌داشت)، «و لایتکلم الا فیما رجّا ثوابه». (و سخن نمی‌گفت، مگر درجایی که امید ثواب در آن داشت). (ابن سعد، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۲۲) جدیت آن حضرت به‌گونه‌ای بود که چون کاری را آغاز می‌کرد، آن‌را به‌پایان می‌برد. ابن‌سعد به اسناد خود از سعید مقبری در این‌باره آورده است: «کان النبی(ص) إذا عمل عملاً أثبتّه و لم یکنه یعمل به مرّة و یدعه مرّة» (ابن سعد، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۷۹) پیامبر(ص) چون کاری را شروع می‌کرد آن‌را به‌انجام می‌رساند و چنان‌که چنان‌که قسمتی از آن‌را انجام دهد و قسمتی را بگذارد. آن حضرت هرکاری را استوار انجام می‌داد و این‌گونه نبود که بخشی از کار را انجام دهد و دیگر ادامه ندهد و به‌انجام نرساند. رسول خدا(ص) بر کامل انجام دادن کارها تأکید بسیار داشت و بر همین منطبق عملی امور را اداره می‌کرد. داستان تدفین سعد بن معاذ نمونه‌ای درخور توجه بسیار است. عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) روایت کرده است که گفت: نزد پیامبر آمدند و گفتند سعد بن معاذ درگذشته است. رسول خدا(ص) برخاست و اصحاب نیز همراه حضرت برخاستند. حضرت فرمود تا سعد را بشویند. در این هنگام به چارچوب در تکیه کرده بود. چون سعد را شستند و حنوط کردند و کفن پوشانیدند و بر تابوت نهادند، رسول خدا(ص) پای برهنه و بی‌ردا در پی آن به راه افتاد و گاه طرف راست تابوت و گاه طرف چپ آن‌را می‌گرفت تا به قبرستان رسیدند. پس از کندن قبر، رسول خدا(ص) خود داخل قبر شد و لحد وی را چید و آن‌را با گل محکم کرد و پیوسته می‌فرمود: «سنگ بدهید، گل بدهید» و به‌وسیله آن میان خشت‌ها را

محکم می‌کرد. چون از کار محکم ساختن لحدها فارغ شد و بر آن خاک ریخت و گور را پر کرد فرمود: «إِنِّي لأعلم أَنَّهُ سَيَبْلِي وَيَصِلُ الْبَلَى إِلَيْهِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمَلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ.» (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۳۱۴) من نیک می‌دانم که این قبر فرسوده خواهد شد و دستخوش پوسیدگی خواهد گردید ولی خداوند بنده‌ای را دوست دارد که چون کاری را انجام می‌دهد، آن را محکم و استوار کند.

و نیز از امام صادق (ع) در حدیثی آمده است که چون ابراهیم فرزند رسول خدا (ص) فوت کرد، پس از دفن او پیامبر متوجه شد که در قبر شکافی وجود دارد، پس با دست خود آن را پر و محکم کرد، آن‌گاه فرمود:

«إِذَا عَمَلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيَتَّقَنَّ» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۶۳) هریک از شما چون کاری را انجام می‌دهید باید محکم و استوار انجام دهد. این معنا در عبارتی گوناگون هر چند اسناد برخی از آن‌ها ضعیف است وارد شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَنْ الْعَامِلُ إِذَا عَمَلَ أَنْ يُحْسَنَ» (هندی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۰۷) خدای متعال دوست دارد که چون کسی کاری را انجام می‌دهد، آن را به نیکویی انجام دهد و یا این عبارت که «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمَلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ» خدای متعال دوست دارد که چون یکی از شما کاری را انجام می‌دهد، آن را محکم و استوار دارد. (همان)

خداوند دوست دارد که امور درست و استوار انجام شود و هر کاری با استحکام صورت گیرد و در همه امور محکم کاری رعایت شود. این امر جز با روحیه‌ای جدی و منضبط حاصل نمی‌شود و رسول خدا (ص) در همه‌ی امور چنین بود. آن حضرت نمی‌پسندید که کاری سرسری گرفته شود و از این‌که مسلمانان بخواهند کارها را از سر باز کنند، بیزار بود.

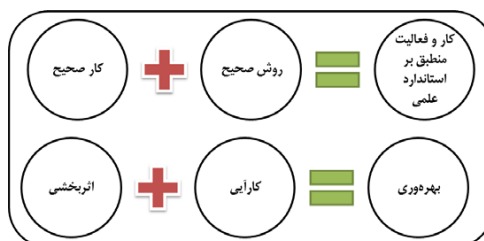
## ۷ الگوی استاندارد در سیره معصومین (ع)

در منطق عملی رسول خدا (ص) و اوصیای آن حضرت اصل بر کیفیت اعمال است نه بر کمیت. مهم آن است که تصمیم‌ها به «عمل ایمانی» منجر شود که «ایمان» غایت حکمت نظری و «عمل صالح» تمام حکمت عملی است؛ و هر که به حکمت دست یابد به‌راستی به نیکی‌های بسیار دست یافته است.<sup>۶</sup> آن‌که

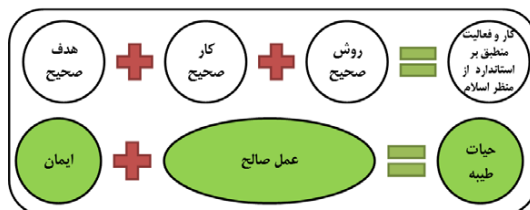
اهل حکمت است تصمیم‌ها و عملکردهایش حکیمانه است؛ و واجد عمل ایمانی است که خداوند بدان فراخوانده است و آنچه ماندنی است عمل بیش‌تر و کمیت‌ها نیست، بلکه عمل بهتر و کیفیت‌هاست. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، إِنَّا لَأَنْضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (سوره کهف، آیه ۳۰) همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک و شایسته کردند، ما مزد کسی را که کار نیکو کرده تباه نکنیم).

آن‌چه مطلوب و ماندنی است «کار نیکو» است نه «نفس کار» که آزمایش و ابتلا برای آن است که کیفیت اعمال ظهور یابد که ارزش تصمیم‌ها، برنامه‌ها و اعمال به کیفیت آن‌هاست. «الذی خلق الموت و الحیاه لیبلوکم أیکم أحسن عملاً» (سوره ملک، آیه ۲) (اوست کسی که مرگ و زندگی را بیافرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارتر است). امام صادق (ع) در معنای آیه شریفه «لیبلوکم أیکم أحسن عملاً» فرمود: «لیس یعنی اکثر عملاً، ولکن اصبوکم عملاً. و إنما الإصابه خشیه الله و التیة الصادقة و الحسنه.» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۶) مقصود، عمل بیش‌تر نیست، بلکه مقصود عمل درست‌تر است. درستی عمل همانا ترس از خدا و نیت صادق و کار نیک است. در مجموع عمل ایمانی طبق آیات قرآن منجر به حیات طیبه خواهد شد. «من عمل صالحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنجحیتیه حیوة طیبه...» (سوره نحل، آیه ۹۷) با این بیان، مفهوم استانداردسازی از منظر اسلام به‌دنبال حیات طیبه است. حیات طیبه با عمل صالح نشات گرفته از ایمان ایجاد می‌شود. الگوی استانداردسازی علمی و استانداردسازی از منظر اسلام در شکل‌های ۲ و ۳ نشان داده شده است. هرچند در هر دو مدل از عبارتهای «کار صحیح» و «روش صحیح» بصورت یکسان استفاده شده است، لیکن در منطق علمی کار صحیح و روش صحیح مبتنی بر بهره‌وری بیشتر و سود بیشتر است ولی در منطق اسلامی کار صحیح و روش صحیح بیان‌گر شرعی و غیرشرعی بودن عمل نیز می‌باشد که در تفسیر مدل باید به این تفاوت‌ها در برداشت از اصطلاحات توجه کرد.

۶. بونی الحکمة من یشاء و من یوت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا. (حکمت را به هر که خواهد می‌دهد و هر که را حکمت دهند به راستی او را نیکی‌های بسیار داده‌اند). قرآن، بقره/ ۲۶۹.



شکل ۲: الگوی نظری استانداردسازی از منظر علمی



شکل ۳: الگوی نظری استانداردسازی از منظر اسلام

## ۸ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ضرورت توجه ویژه به استانداردسازی را می‌توان از لحاظ کردن آن در بندهای ۲۴گانه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی درک کرد. از آن‌جا که برداشت ناصحیح و غیر ارزشی به هر مفهومی، می‌تواند موجب بروز بدکاردهای آن مفهوم شود، در این مقاله استانداردسازی با روش‌شناسی تدبیر در قرآن و روایات در سیره معصومین (ع) مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت.

با این نگاه، کار و فعالیت استاندارد عبارت است از کار صحیح به روش صحیح و با هدف صحیح که منجر به حیات طیبه خواهد شد. کار صحیح به روش صحیح به عمل صالح تعبیر شد که در مجموع آنچه استاندارد است عمل ایمانی است. غایت نهایی حکمت عملی و نظری، عمل ایمانی است که سیره معصومین در این زمینه می‌تواند مستمسک خوبی برای هدف‌گذاری باشد.

در الگوی استانداردسازی ارائه شده از منظر اسلام در این مقاله، مفهوم استاندارد به دو بعد علمی و مکتبی تقسیم بندی شد. استاندارد از منظر اسلام دربرگیرنده حُسن فاعلی اعم از انگیزه، ایمان و نیت خالص (بستر هدف صحیح) به همراه حُسن فعلی اعم از عمل صالح (کار صحیح به روش صحیح) لحاظ شده است که به حیات طیبه منجر خواهد شد. این مفهوم با آنچه در رویکرد علمی به استانداردسازی که مورد توجه

جوامع غربی است تفاوت دارد. در استانداردسازی از منظر علمی، انجام کار صحیح به روش صحیح منجر به بهره‌وری بالاتر شده و ارزش‌ها تأثیری در آن ندارند. مهمترین نکته قابل توجه در این دسته‌بندی، عدم تعمیم‌پذیری استانداردهای دارای مبانی فکری و معرفت‌شناختی از کشوری به کشور دیگر است.

تحقیق انجام شده نمونه‌ای کوچک در زمینه مساله‌شناسی حوزه استانداردسازی از منظر اسلام است که می‌تواند مقدمه‌ای برای آسیب‌شناسی دقیق این حوزه، انجام پژوهش‌های عمیق‌تر، انجام مطالعات تطبیقی و اسلامی و غیره باشد و نگارندگان مدعی ارایه الگوی استانداردسازی جامع و مانع نیستند که این موضوع نیازمند تحقیقات گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌باشد.

چارچوب مفهومی این پژوهش و مفهوم‌پردازی انجام شده و الگوی ارائه شده، می‌تواند در درجه اول توجه کارشناسان و مدیران استاندارد کشور را به ارزش‌محوری این حوزه جلب نماید و در درجه دوم زمینه‌ای برای بازطراحی شاخص‌های استانداردسازی با توجه به الگوهای دینی باشد. بدون شک، استانداردهای مبتنی بر مبانی فکری و معرفت‌شناختی دارای اثرگذاری بیشتری بوده و قابلیت تعمیم و بکارگیری از کشوری به کشور دیگر را ندارند.

## ۹ منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ق) لسان العرب، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت
۳. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک (۱۳۷۸ ش)، سیرت رسول الله ترجمه رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی قاضی ابرقوه، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
۴. ابن سعد، ابو عبدالله محمد (۱۴۰۵). الطبقات الکبری، دار بیروت الطباعة والنشر، بیروت
۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۸) سیره نبوی، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات دریا، تهران
۶. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸). سیره نبوی جلد چهارم چاپ چهارم، انتشارات دریا، تهران
۷. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، (۱۴۰۷)، الاتقان

فی العلوم القرآن، چاپ اول، دارابن کثیر دمشق، بیروت

۸. السیوطی، جلال‌الدین عبد الرحمن بن أبی بکر، جامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر، دارالفکر بیروت

۹. الراغب الاصفهانی ابوالقاسم الحسین بن محمد (۱۴۰۰)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق و ضبط محمد سید کیلانی دارالمعرفه، بیروت

۱۰. زرکشی، بدر الدین محمد، البرهان فی العلوم القرآن، چاپ اول، دار الفکر، بیروت

۱۱. فیض الاسلام، علینقی (۱۳۳۰ ش) نهج البلاغه، حیدری، تهران

۱۲. الفراهیدی، ابوعبدالرحمن الخلیل بن احمد (۱۴۰۵)، کتاب العین، قم موسسه دارالهجره

۱۳. الکلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران

۱۴. الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (۱۳۸۹ ق). الخصال، مکتبه الصدوق، طهران

۱۵. الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (۱۴۰۰). الامالی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت

۱۶. الصدوق، ابن جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، (۱۳۶۱ ه.ش)، معنای الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، الطبعة الاولى، موسسه النشر الاسلامی قم،

۱۷. طبرسی، امین الاسلام ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۴۰۳) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مکتبه المرعشی النجفی، قم

۱۸. مظفر، علامه محمد رضا، (۱۳۸۲ ه.ش)، اصول الفقه فی مباحث الالفاظ و الملازمات العقلیه و مباحث الحجه و الاصول العملیه، تحقق: عباس علی الزارعی السبزواری، الطبقة الثانيه، انتشارات بوستان کتاب قم،

۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰ ش)، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از نویسندگان، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۲۰. موسوی خوی، سید ابولقاسم، (۱۳۸۵)، البیان فی تفسیر علوم القرآن، چاپ دوم، مطبعه الاداب، نجف

۲۱. المجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار الجامعه

العلوم الاثمه الاطهار. الطبعة الثالثة. دار احیاء التراث العربی، بیروت

۲۲. النجاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ ق). التاريخ الكبير، شرح و تحقیق قاسم اشماعی الرفاعی، چاپ اول، دارالقلم، بیروت

۲۳. الواقدی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۰۹ ق). المغازی، تحقیق مارسدن جونز، چاپ سوم، موسسه الاعلمی المطبوعات بیروت

۲۴. الغزالی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۴۰۳) احیاء علوم الدین، دارالقلم، بیروت

۲۵. الهندی، علاء الدین بن حسام الدین المتقی (۱۴۰۹) کنز العمال فی احادیث الاقوال و الافعال، موسسه الرساله، بیروت

۲۶. الهندی، علاء الدین بن حسام الدین متقی (۱۴۰۰ ق). الجامع الصغیر، بیروت